

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۳ اپریل ۲۰۱۵

سیدعلی خامنه‌ای، جام زهر هسته‌ای را سر کشید!

آخرین دور مذاکرات میان ایران و گروه پنج به علاوه یک در لوزان سوئیس، به پایان رسید. به این ترتیب، سیدعلی خامنه‌ای، سردمدار حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی ایران، جام زهر هسته‌ای را سر کشید. این جام زهر را قبلاً خمینی، با قبول آتش‌بس جنگ هشت ساله ایران و عراق سر کشیده بود. خمینی، همواره به جنگ ایران و عراق و با شعار «راه قدس» از «کربلا» می‌گذرد تأکید ورزید و این جنگ خانمانسوز را به مدت هشت سال ادامه داد. سرانجام از موضع شکست و درماندگی قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، مبنی بر آتش‌بس جنگ ایران و عراق را پذیرفت. او در آن هنگام اقرار کرده بود که جام زهر را سر کشیده است. چرا که او در آن دوره، سودای «پان اسلامیس» را در سر می‌پروراند که در این راه، شکست سختی خورده بود. اکنون این سناریوی سیاه، در دوره خامنه‌ای نیز با عناد ورزیدن بر سر فعالیت‌های هسته‌ای، از ۱۲ سال پیش آغاز شد و سرانجام خامنه‌ای هم مجبور شد تجربه خمینی را تلخ‌تر و کشنده‌تر تکرار کرد و در حال ضعف و زبونی و درماندگی، و در حالی که جامعه ایران را به لحاظ اقتصادی در باتلاق بحران فرو برده بود و اکثریت مردم ایران را به خاک سیاه نشانده بود، خواسته‌های گروه موسوم به گروه «پنج به علاوه یک» را بپذیرد.

اما اگر خمینی در آن دوره، جام زهر سر کشیده را بر سر زندانیان سیاسی ریخت و در بهار و تابستان ۶۷، فرمان قتل‌عام دست‌کم چهار هزار زندانی سیاسی را صادر و به مرحله اجرا درآوردند؛ اکنون باید دید که خامنه‌ای این زهر را بر کدام بخش جامعه ایران خواهد پاشید؟!

در هر صورت بیانیه پایانی مذاکرات اتمی هشت روزه ایران و شش قدرت جهانی، اواخر روز پنجشنبه دوم اپریل ۲۰۱۵ - سیزدهم فروردین [حمل] ۱۳۹۴، توسط مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و وزیر امور خارجه ایران در شهر لوزان سوئیس قرائت شد.

بر اساس گزارش خبرگزاری‌ها، این بیانیه ابتداء به زبان انگلیسی توسط فدریکا موگرینی به نمایندگی از کشورهای عضو گروه ۱+۵، قرائت شد و سپس محمدجواد ظریف به نمایندگی از طرف ایرانی، آن را به زبان فارسی قرائت کرد.

این بیانیه نشان می‌دهد که حکومت اسلامی ایران، از مواضع قبلی خود عقب‌نشینی‌های جدی کرده و کاملاً از موضع ضعف تن به این توافق داده است. چرا که بر اساس این بیانیه، محدودیت‌هایی در دوره زمانی مشخص بر

فعالیت‌های هسته‌ای ایران اعمال خواهد شد و در مقابل تحریم‌های برآمده از آن قطعنامه‌های سازمان ملل، لغو خواهد شد.

حتی خبرگزاری ایرنا به نقل از وزیر امور خارجه ایران نوشت «الان امید رسیدن به راه حل‌های مشترک در مورد موضوعات «خوب» است. آقای ظریف همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا مذاکرات تمدید می‌شود، گفت «انشاءالله فردا تهران هستیم.»

او پیش‌تر در گفت و گو با خبرنگاران، با اشاره به این که در دیدار چهارشنبه شب تا بامداد پنجشنبه با جان کری همتای امریکائی خود، تمام راحل‌های ممکن را بررسی کرده‌اند، گفت «برای امروز، قرار است یک بیانیه مطبوعاتی تنظیم شود، که هنوز این کار ما باقی مانده است و باید انجام شود.»

پس از پایان جلسه داخلی نمایندگان گروه ۱+۵ در روز پنجشنبه دوم اپریل، وزیران خارجه امریکا و ایران به طور جداگانه با فدریکا موگرینی دیدار کردند. پس از این دیدارها، معاونان وزاری خارجه دو کشور نیز با هلگا اشمیت معاون مسؤل سیاست خارجی اتحادیه اروپا دیدار کردند، که بیانیه به مراحل نهائی رسید.

با وجود این که همه طرفین می‌خواستند بالاخره پایان این نشست‌های ماراتونی خود را در نزد افکار عمومی جهان مثبت نشان دهند بیاینه‌ای را تنظیم کردند که چندان اعتبار حقوقی ندارد و صرفاً یک بیانیه سیاسی-تبلیغی است که فردا هر کدام از طرفین می‌توانند تفسیر خود را داشته باشند و از مفاد آن سر بزنند. بنابراین این توافق، برای قدرت‌های بزرگ جهانی، یک مسأله سرنوشت‌ساز نبود. چرا که طرفین از ابتدا گفته بودند در این دور از مذاکرات چیزی امضاء نخواهد شد. از این‌رو، حضور همه وزیران خارجه هفت کشور در نشست خبری امروز نیز الزامی نبود و محمدجواد ظریف به نمایندگی از ایران و فدریکا موگرینی به نمایندگی از گروه ۱+۵ بیانیه را قرائت خواهند کرد.

با پایان یافتن این مرحله از مذاکرات، تدوین پیش‌نویس برنامه جامع اقدام مشترک تا بازه زمانی ۱۰ تیر در آینده نزدیک آغاز خواهد شد. با نهائی‌شدن متن، برنامه جامع اقدام مشترک در قالب قطعنامه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد تأیید قرار خواهد گرفت. جهت لازم الاجرا شدن برنامه جامع اقدام مشترک برای تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد، این قطعنامه همچون قطعنامه‌هایی که علیه ایران تصویب شده بودند تحت ماده ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد تصویب خواهد شد تا بتواند قطعنامه‌های قبلی را لغو کند.

طرف‌های برنامه جامع اقدام مشترک پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت، به یک دوره زمانی آماده‌سازی برای اجرای برنامه جامع اقدام مشترک نیاز خواهند داشت. پس از طی مرحله آماده سازی و همزمان با شروع به اجرای اقدامات هسته‌ای از سوی ایران در یک روز تعیین شده لغو تمامی تحریم‌ها به طور خودکار به اجراء در خواهد آمد. در چارچوب راحل‌های به دست‌آمده؛ برای بازگشت‌پذیری متقابل تعهدات مندرج در برنامه جامع اقدام مشترک در صورت نقض تعهدات از سوی هر یک از طرف‌ها سازو کار لازم پیش‌بینی شده است.

تاکنون شش قطعنامه شورای امنیت علیه ایران صادر شده است و همچنین تحریم‌های یک جانبه و چند جانبه بر علیه ایران اتخاذ شده است. ایران از حدود یک سال گذشته دور تازه‌ای از مذاکرات هسته‌ای را با کشورهای غربی آغاز کرده و به صورت هماهنگ همکاری‌هایی را نیز با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داشته است.

در واقع بعد از بر سر کار آمدن شیخ حسن روحانی در ایران و امضای توافق نامه هسته‌ای در ژنو، سیاست خارجی و سیاست هسته‌ای حکومت اسلامی ایران، دگرگون شد و یک سازش نهائی بین حکومت اسلامی با غرب در اولویت دولت روحانی قرار گرفت.

یک دلیل اصلی این دگرگونی در سیاست هسته‌ای حکومت اسلامی، چالش‌های بسیار جدی در زمینه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که پایه‌های این حکومت را تهدید می‌کنند.

علی خامنه‌ای که طی هشت سال ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، به هیچ‌وجه زیر بار سازش با غرب نمی‌رفت و احمدی‌نژاد قطعنامه‌های سازمان ملل را کاغذ پاره می‌نامید سرانجام مجبور شد جام زهر هسته‌ای را سر بکشد و در سیاست خارجی و هسته‌ای و با قبول «نرمش قهرمانانه»، دست دولت روحانی را برای برخی عقب‌نشینی‌های هسته‌ای و بهبود روابط با غرب و کاهش تحریم‌ها باز بگذارد.

نقشه راه روحانی و میزان آزادی عملی که خامنه‌ای به دولت روحانی داد از مذاکرات هسته‌ای ژنو آغاز شد و به توافق اخیر رسید. در ماه نوامبر ۲۰۱۴، توافق‌نامه موقت و شش ماهه ژنو بین ایران و گروه موسوم به ۱+۵ امضاء شده بود که بر اساس آن، حکومت اسلامی ایران، پیشرفت برنامه هسته‌ای خود را متوقف می‌کند و غرب نیز از تصویب تحریم‌های جدید پرهیز می‌کند.

این که ماهیت برنامه هسته‌ای حکومت اسلامی ایران، نظامی بوده است شکی نیست. حکومت اسلامی، تاکنون با وجود تحریم‌های کمرشکن و ویران‌گر به غنی‌سازی اورانیوم در کشور، همچنان اصرار ورزیده است. اورانیوم غنی‌شده را هم می‌توان برای ساخت بمب هسته‌ای استفاده کرد و هم می‌توان از آن به عنوان سوخت در نیروگاه هسته‌ای یا رآکتورهای آزمایشگاهی استفاده کرد.

به علاوه حکومت اسلامی، تاکنون مبالغ کلانی به برنامه هسته‌ای خود اختصاص داده است مبالغی که می‌شد دست‌کم با آن، برای میلیون‌ها شهروند ایرانی اشتغال ایجاد کرد و دیگر بخش‌های اقتصادی کشور را رشد و توسعه داد. در حالی که که اکنون بخش صنعت، کشاورزی و محیط زیست به مرحله نابودی رسیده‌اند. حدود ده میلیون نفر بیکارند؛ وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی و بهداشت و درمان با کسر بودجه‌های کلانی مواجه هستند؛ گرانی و تورم و فقر غوغا می‌کند و... سران حکومت به خصوص خامنه‌ای، مدعی ست هدف از برنامه هسته‌ای، صرفه‌جویی در مصرف نفت و گاز کشور است. در حالی که در دهه گذشته، صنعت نفت و گاز از توسعه باز مانده و با حراج نفت و گاز به واسطه‌ها و خریداران جهانی، سالانه ده‌ها میلیارد دلار از سرمایه کشور را بر باد داده‌اند. مردم ایران از یکسو با ادامه برنامه هسته‌ای حکومت اسلامی و از سوی دیگر ادامه تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، به خاک سیاه افتاده‌اند و همچنین از سرمایه‌گذاری و تکنولوژی لازم برای نگهداری و توسعه ذخائر طبیعی کشور محروم مانده است به طوری که هر سال نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار از نفت و گازی که در ذخائر مشترک با همسایگان ایران قرار دارند از دست می‌رود.

حکومت اسلامی ایران، در طی ۱۲ سالی که از علنی‌شدن برنامه هسته‌ای‌اش می‌گذرد هرگونه بحث مخالف با این برنامه را خط قرمز نامیده و به یک تابوی سیاسی تبدیل کرده است. سانسور بسیار سخت بر رسانه‌های کشور اعمال کرده تا هیچ صدای مخالف و یا حتی منتقدی با برنامه هسته‌ای مطرح نشود.

اما هزینه‌ای که این برنامه بر اکثریت مردم ایران، تحمیل کرده و بعد از این نیز خواهد کرد جبران‌ناپذیر است از این‌رو، پنهان‌کردن ماهیت این برنامه از مردم، که این هزینه سنگین و غیرقابل جبران را می‌پردازند چه دلالی دارد؟ آیا واقعا هدف تأمین برق و انرژی برای کشور است پس چرا این همه هزینه و مخفی‌کاری در جریان است؟ آیا این پنهان‌کاری به خطراتی هم چون حمله نظامی به کشور و بروز جنگ منجر نمی‌گردد؟ آیا مسابقه تسلیحات هسته‌ای در منطقه پرتلاطم خاورمیانه، ماجراجویی خطرناکی بوده است؟

صادرات نفت ایران در دو سال گذشته به کمتر از یک میلیون بشکه در روز رسید. درآمد صادرات نفت ایران، از ۱۱۰ میلیارد دلار در سال به کمتر از ۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ کاهش یافت. کاهش صادرات نفت، به کاهش سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز و عقب‌ماندگی ایران در میدان‌های نفتی مشترک انجامیده است. معاون وزیر نفت زیان ناشی از این عقب‌ماندگی را ۳۰ میلیارد دلار در سال اعلام کرده است. همچنین به گفته رکن‌الدین جوادی، صنعت نفت ایران برای حفظ شرایط موجود به ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در سال نیاز دارد.

بر اساس برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران ۶۷ درصد واحدهای اقتصادی ایران در سه سال گذشته با ظرفیت ۳۰ درصدی فعالیت کرده‌اند. علاوه بر این نرخ تورم نیز در ایران رشد کرده و همزمان با آن نرخ رشد اقتصادی منفی شده است. سرمایه‌گذاران بین‌المللی ایران را ترک کرده‌اند و تجارت خارجی ایران کاهش یافته است.

یک سؤال مهم این است که چرا حکومت اسلامی ایران، حاضر به پذیرش طرح لیبی یا آفریقای جنوبی نشد تا با توقف کامل برنامه هسته‌ای، لغو همه تحریم‌های اقتصادی را ممکن سازد و به اقتصاد ورشکسته کشور، امکان بازسازی و نفس کشیدن دهد؟

واقعا استراتژی حکومت اسلامی ایران چیست و از طولانی‌تر کردن مذاکرات و در نتیجه تداوم تحریم‌ها چه سودی برده است؟

تاکنون بخش قابل توجهی از مسئولین حکومتی در ایران، به ویژه حسن روحانی و وزیر خارجه جواد ظریف بر این عقیده بودند که حکومت اسلامی ایران با خرید وقت و با استفاده درست از کارت‌های برنده‌ای که در دست دارد، قادر خواهد بود امریکا و غرب را مجبور به پذیرش «جمهوری اسلامی با توان تولید سلاح هسته‌ای و صاحب هژمونی منطقه‌ای» نماید. جواد ظریف در بازگشت از سفر نیویورک و در دیدار با کمیسیون امنیت ملی مجلس ادعا کرده است که: «جمهوری اسلامی توان و ظرفیت این را دارد که در صحنه بین‌المللی حریف امریکا و اسرائیل شود برای این کار باید توانمندی‌های خودمان و تیم دولت را باور کنیم. اگر برداشت ما این باشد که در داخل امریکا یک صدائی وجود دارد اشتباه کردیم بلکه ما می‌توانیم با استفاده از اختلاف نظرها در امریکا بیروز صحنه باشیم و البته رژیم صهیونیستی نقاط ضعف بسیار زیادی دارد که می‌توان از آن‌ها استفاده کرد.»

اما در هفته‌های اخیر چند کارت حکومت اسلامی سوخت. نخست این که اتحادیه عرب به سردمداری عربستان سعودی، با حمله نظامی به یمن و حوثی‌های شیعی که حکومت اسلامی حامی اصلی آن‌هاست، علیه حکومت اسلامی ایران موضع گرفتند و حتی دولت ترکیه و پاکستان نیز با آن‌ها همراه و هم‌زبان شدند. دوم این که در حمله ارتش و گروه‌های شیعه و سپاه پاسداران ایران به شهر تکریت در عراق، آن‌ها با مقاومت داعش مواجه و زمین‌گیر شدند. رئیس جمهوری عراق از ائتلاف به سردمداری امریکا خواست که مواضع داعش در ترکیه را بمباران کنند اما شرط امریکا این بود که سپاه پاسداران ایران و گروه‌های شیعه تحت رهبری این سپاه از این عملیات خارج شوند و تنها ارتش عراق باقی بماند. سرانجام بدون حضور سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران، این ائتلاف مواضع داعش را بمباران کردند و ارتش عراق این شهر و یا بخش‌های مهمی از آن را تسخیر کردند. در این میان حکومت اسلامی، اعلام کرد که در این عملیات، با حمله پهبادهای امریکائی، دو تن از فرماندهان سپاه پاسداران به قتل رسیده‌اند. اما امریکا این مسأله را رد کرده است. در هر صورت حکومت اسلامی ایران در این هفته‌های اخیر این کارت‌های خود را از دست داده و در موضع ضعف قرار گرفته است. به علاوه احتمالا حکومت اسلامی ایران به ویژه با امریکا در رابطه با جنگ داخلی سوریه نیز توافقاتی انجام داده است. اما همه شواهد حاکی از آن است که

حکومت اسلامی، کاملاً از موضع ضعف و درماندگی به این توافقات تن داده است. خلاصه این که حکومت اسلامی ایران در این مذاکرات، مجبور شده امتیازات زیادی به طرفین مقابل خود و در راس همه امریکا بدهد تا این توافق مبهم و ناروشن انجام گیرد تا شاید کمی از تحریم‌های ایران لغو گردد.

البته این توافق حکومت اسلامی ایران با گروه پنج به علاوه یک، با توجه به اوضاع جهانی، به ویژه اوضاع غیرقابل پیش‌بینی خاورمیانه، جناح‌بندی‌های درونی حکومت اسلامی، دعوی کاخ سفید و کنگره امریکا، موضع خصمانه دولت اسرائیل، تحولات سوریه، عراق و...، بسیار شکننده است بنابراین، احتمالاً توافق موجود با توافق نهائی، هم‌خوانی نخواهد داشت.

خلاصه کلام، آن موضعی که به نفع اکثریت مردم است لغو تحریم‌های اقتصادی ایران و برداشته‌شدن سایه شوم احتمال حمله نظامی به ایران است بنابراین، در این سال‌ها، همواره همه نیروهای انسان‌دوست، آزادی‌خواه، برابری‌طلب و سوسیالیست، با آن مخالف بوده‌اند. و تجربه ۱۲ سال اخیر نیز نشان داده است که این تحریم‌ها نه به ضرر حکومت اسلامی، بلکه به ضرر اکثریت مردم ایران تمام شده است. چرا که اشتغال کمتر شده، بسیاری از نیروی‌های شاغل نیز به دلیل بحران و یا تعطیلی صنایع بیکار شده‌اند؛ دستمزدهای مزدبگیران دست‌کم چهار برابر زیر خط فقر تعیین شده‌اند؛ گرانی و تورم کمرشکن شده است و... همه این مصائب به ویژه فقر مالی باعث شده که آسیب‌های اجتماعی همچون حاشیه‌نشینی، کارتون‌خوابی، تن‌فروشی، کلیه‌فروشی، فرار از خانه، طلاق، کودکان کار و خیابانی، خودکشی، بزهکاری، اعتیاد و...، بنابراین اگر نهایتاً این تحریم‌ها برداشته شوند به نفع مردم است. از سوئی باندهای مافیائی و ارگان‌های سرکوب حکومت اسلامی که در اثر این تحریم‌ها، فرصت طلایی به دست آوردند و با قاچاق کالا، پول‌شوئی، درست‌کردن بازار سیاه، احتکار و غیره ثروت‌های میلیارد دلاری به جیب زده‌اند با لغو تحریم‌ها مخالفت خواهند ورزید و این مسأله نیز دعوا و کشمکش جناح‌های درونی حکومت اسلامی را تشدید خواهد کرد. به علاوه آن بخش از گرایش‌های سیاسی که در این دهه اخیر، از تحریم‌های اقتصادی ایران دفاع می‌کردند و حتی منتظر حمله نظامی به ایران بودند اکنون بیش از پیش سرخورده شده و در لاک سیاسی خود خواهند رفت.

اما در این میان، هر چه قدر فشارهای اقتصادی و امنیتی در ایران کمتر شود به همان نسبت، به نفع جنبش‌های سیاسی-اجتماعی ایران است. یعنی جنبش‌های اجتماعی ایران همچون جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجوئی و همه نهادهای دموکراتیک و عدالت‌جو، هر چه بیش‌تر اهداف و سیاست‌های غیرانسانی سرمایه‌داری داخلی و جهانی و در راس همه حکومت سرمایه‌داری جهل و جنایت و ترور اسلامی را در تنگنا قرار خواهند داد و مبارزات خود را در راستای تحقق اهداف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی‌شان عمیق‌تر و سراسری‌تر خواهند کرد.

پنج‌شنبه سیزدهم فروردین [حمل] ۱۳۹۴ - دوم اپریل ۲۰۱۵